



محترم اسماعیل فروغی ژورنالیست آگاه، نویسنده ی روشنگر و کارمند شایسته و با تجربه ی رادیو و تلویزیون

مصاحبه کننده : انجنیر عبدالقادر مسعود

در جمع نخبگان پرتلاش و ورزیده سرزمین باستانی ما و در دنیای شکوهمند ادب و فرهنگ ما، در مورد کارنامه ها و خدمات مثر شخصیت مستعد و هوشمندی مینگارم، که یکی از چهره های قدیمی ولی آشنا برای بیشترین بیننده گان و علاقمندان تلویزیون افغانستان است . این نویسنده ی فرزانه و سخنور آگاه دنیای ادب و فرهنگ، ژورنالیست ورزیده و ممتاز محترم اسماعیل فروغی میباشد. چنانچه شما هموطنان با کار و فعالیت مثر ایشان از راه رادیو و تلویزیون و مطبوعات شناسایی دارید.

در شروع نظری کوتاهی می اندازیم به زندگینامهء محترم اسماعیل فروغی :

محترم اسماعیل فروغی در سال (۱۹۵۴) عیسوی در شهر کابل در یک خانواده منور چشم به دنیا گشوده، در لیسه عالی غازی درس خوانده و در سال (۱۹۷۵) عیسوی در پوهن‌خج زبان و ادبیات پوهنتون کابل، رشته ژورنالیزم را به پایان رسانیده است.

او پس از فراغت از تحصیل، در برنامه های گوناگون رادیو و تلویزون به صفت پرودیوسر و نویسنده ی متن برنامه ها ، ایفای وظیفه نموده و در ایجاد و تهیه ی برخی برنامه های مشهور و پرتعداد، سهم فعال و سازنده داشته اند؛ که به طور نمونه میتوان از برنامه های (موسیقی و نکته ها) برای رادیو و (ساعتی با شما) برای تلویزون یاد آور شد.

وظایف و مسوولیت های مسلکی و رسمی که محترم اسماعیل فروغی پیش از مهاجرت به کشور آلمان تا سال (۱۹۹۳) عیسوی در داخل کشور داشتند ازین قرار است :

- نویسنده و گرداننده ی برنامه های مختلف رادیویی و تلویزونی .
- دستیار انتخابی اتحادیه ژورنالیستان تلویزون و رادیوی افغانستان .
- مدیریت عمومی ارزیابی و انسجام تمام برنامه های رادیو افغانستان وقت .
- مدیریت عمومی اطلاعات تلویزون ملی افغانستان .
- ریس بورد مفسرین رادیو و تلویزون ملی افغانستان .

محترم فروغی بعد از مهاجرت در کشور آلمان نیز مسوولیت مسلکی ایجاد ، اداره و تولید نشرات تلویزیون جهانی ای بنام (آریانا) را به عهده داشته و بحیث رییس نشرات آن ایفای وظیفه نموده است .

او داستان کوتاه و مقالات تحقیقی سیاسی ، اطلاعاتی و ادبی زیادی نوشته است که در نشریه های گوناگون درون مرزی و برون مرزی و یا از راه انترنت به نشر رسیده است .

محترم داکتر ببرک ارغند که یکی از دانشمندان فرزانه، نویسنده گرانمایه، ژورنالیست و رزیده داستان نویس و نمایشنامه نویس ممتاز کشور ما است در یکی از نوشته های خود در مورد شخصیت ادبی و فرهنگی محترم فروغی صاحب چنین مینگارد:

((از دیروز تا امروز

در ادوار گذشته حکومت‌های اقتدار گرا در شأن خود نمیدانستند که در باره سیاست های خویش به مردم و عوام توضیحات ارائه دارند . توضیح سیاست به مردم را کسر شأن خویش میدانستند و لزومی نمیدیدند تا اذهان مردم را برای پذیرش سیاست‌های خویش آماده سازند . گویا به چنین بستری اصلاً نیازی دیده نمیشد و در نتیجه یک گودال عمیق بی خبری و بی باوری، مردم را از سیاست‌های دولتها و حکومتها بدور نگه میداشت .

سیاستها به گونه رمز و اسرار در گاوصندوق های ذهن سیاستمداران نگهداری و حفاظت میشد و در فرایند تحقق اهداف دولتمداران ، کار برد افزاری میداشت . گاه گاهی حتی مجریان این سیاستها نیز در چنبره بیخبری بسر میبردند .

از سوی دیگر هیولایی بنام سانسور در فضای بسته کشور در پرواز میبود و صدای شوم بهم زدن بال هایش خواب از چشم آفرینشگران و ژورنالیستان و قلم بدستان میپرانده .

اما امروزه چنین نیست . ورق برگشته است. وسایل ارتباط جمعی - تبلیغاتی و ارتباطات اجتماعی و بین المللی خیلی وسعت یافته اند . سرمایه جهانی شده است و افکار عمومی ناگزیر نقش بزرگی در کارکردها و اقدامات حکومتها به دست آورده اند . امروزه سمت و سو یافتن اذهان مردم و مشارکت شان در تامین سیاست‌های حکومتات یک امر مهم و سودآور است . به این منظور دولتها با استفاده وسیع از وسایل ارتباط جمعی چی نوشتاری و چی شنیداری و با تبلیغات وسیع و برنامه ریزی شده در تلاش جلب مشارکت افکار مردم اند تا از آن از یکسو برای تحقق اهداف خود و از سوی دیگر برای برانگیختن مقاومت افکار عمومی مردم علیه دشمنان خویش استفاده ببرند. این دولتها تلاش دارند تا دریچه های اذهان مردم را با اعمال نظارت و سانسورنمایی بروی تبلیغات دشمنان خویش ببندند . در واقع میخواهند یک نوع

کنترول اجتماعی را که در ژورنالیزم مدرن کنترول تلقینی نامیده میشود بجای اعمال خشونت و بگیر و ببند هایی که در گذشته ها رواج داشت جا نشین سازند . ما درد این شیوه تبلیغات را در کشور خویش حس میکنیم . آن آزادی های دروغین و سمت و سو دادن اذهان مردم را که بیرحمانه آب به آسیاب سرمایه میریزد را میبینیم .

واضح است در چنین وضعیتی که کشور ما قرار دارد وظایف قلم بدستان وبه ویژه ژورنالیستان ما نیز سنگینی بیشتر مییابد . اما جای دلگرمیست که مردم ما چنین قلم بدستان و ژورنالیستانی را دارد که با پای مردی و شجاعت در سنگر دفاع منافع آنان ایستاده اند .

یکی ازین نخبه گان اندیشمند و روشنفکر جناب اسماعیل فروغیست . ایشان یکی از ژورنالیستان آگاه ، اثرگذار ، سابقه دار و گرم و سرد چیده روزگار ماست که با فروتنی و پشتکار در خدمت وطنداران خویش قرار دارد . ایشان ننتها یک ژورنالیست با وجاهت ، پیشگام و با شخصیت اند بل در آفرینش داستان کوتاه نیز از مهارتهای ویژه یی برخوردار اند . من داستانهای زیادی از ایشان خوانده ام ولذت برده ام . بایسته میدانم تا از کار کردهای ایشان باقدر دانی یاد نماییم .

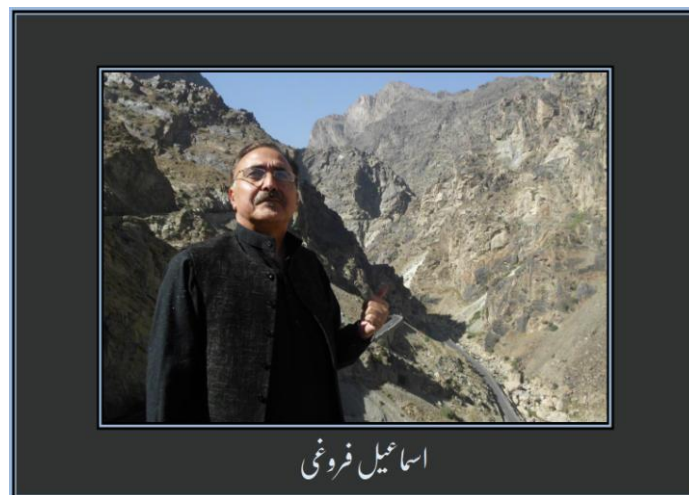
اسماعیل فروغی سالهای سال زنده باشند و با آثار و کار کرد های علمی و ادبی خویش مردم ما را یاری رسانند . فروغِ فروغی فروغمند و راه شان هموار بادا !!

محترم اسماعیل فروغی در سال (۲۰۱۲) عیسوی بنا بر تقاضای شهرداری شهر کابل در براه اندازی اساسات مسلکی تلویزیون و استودیوی پرودکشن آن اداره سهم بسزایی ادا نموده و در سال (۲۰۱۳) عیسوی بنا بر تقاضای ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان ، بحیث عضو بورد بهترسازی برنامه های تلویزیون سهم شایسته یی را ادا نموده است .



محترم اسماعیل فروغی با همسر و سه فرزند خود به نامهای پرویز، مژگان و منوچهر در کشور آلمان روزها و شب های مهاجرت و بی وطنی را سپری مینمایند.

فرزندان او تحصیلات عالی شانرا در کشور آلمان به پایان رسانده اند و با علاقمندی که به میهن خود دارند در فکر و ارزوی این هستند که اگر در وطن ما آرامی و صلح سراسری بوجود آید بتوانند در کشور آبایی شان مصدر خدمت به وطن و هم میهنان خود گردند.



فروغی صاحب از جمله چهره های شناخته شده و مجرب مطبوعات میهن ما میباشد که در فعالیت های ادبی و فرهنگی خود همیشه آگاهانه با شایسته گی و با احساس مسوولیت پاک وطنی و ملی خود، توانسته است افکار سالم، عاطفی و انسانی خود را صادقانه، بی طرفانه و بی غرضانه بیان نماید.

محترم صدیق کاوون توفانی که یکی از شخصیت های توانا، روشنگر و سخنور آگاه دنیای ادب و فرهنگ کشور ما است، در یکی از نوشته های خود در مورد شخصیت ادبی و فرهنگی محترم اسماعیل فروغی جنین مینگارد :

((اسماعیل فروغی یکی از چهره های درخشان فرهنگی افغانستان است که بیشترین سالهای زنده گی خود را به امر خدمت به دانش و فرهنگ کشورش وقف کرده است . به یاد دارم سالهای دهه شصت خورشیدی را که او همگام و همراه با هممنفسان دیگر - که هر کدام شان غنیمت بزرگی بود برای کشور - چه گونه تلاش شباروزی به خرچ میداد تا سهم خود را در شگوفایی فرهنگی ادا نماید و برای میهن و هم میهنانش مصدر خدمتی گردد.

برنامه های رادیویی و تلویزیونی که توسط محترم اسماعیل فروغی و همکارانش تهیه و ترتیب میشدند از پر شنونده ترین و پر بیننده ترین برنامه های رادیو و تلویزیون افغانستان بودند . به گونه مثال میتوانم از برنامه های موفق « موسیقی و نکته ها » و « ساعتی با شما » یادآور شوم .

اسماعیل فروغی یکی از زیبانویسان کشور ماست که داستانها و نوشته هایش مملو از عشق به انسان و انسانیت است . او یک انسان متواضع ، صمیمی و راستکار است که به رسالت روشنگرانه اش وفادار مانده است . او فقیرانه زیست و فقیرانه میزید ولی هیچگاه از دانش و هنرش نردبان نساخت تا به ثروت برسد.

من به ژورنالیست آگاه و نویسنده خوشنام کشور ، فروغی عزیز صحت و سرفرازی همیشه گی آرزو میکنم و قلمش را رسا و پر رنگ میخواهم.))

محترم اسماعیل فروغی یک انسان مهربان، فروتن، مؤدب، با دوستان و همکاران خود بی نهایت صمیمی بوده و در کار و فعالیت های مسلکی خود از استعداد سرشار، تاثیر گذار و تجارب غنی برخوردار است. او همیشه تلاش نموده، تا اندوخته ها و تجارب مسلکی خود را در خدمت وطن ، هم میهنان و هم مسلکان خود قرار دهند.

دوستان عزیزو گرامی به خاطری معرفی بیشتر محترم اسماعیل فروغی با او مصاحبه انجام داده ام که توجه شما علاقمندان علم، هنر، ادب و فرهنگ را به آن جلب مینمایم .

محترم فروغی صاحب به شما وهمه هموطنان عزیز خود عرض سلام و ادب دارم، اجازه دهید پرسشهای خود را مطرح نمایم .

مسعود عزیز تشکر از شما . من در خدمت شما و خواننده گان عزیز خود هستم.

پرسش : محترم فروغی صاحب ، شما ژورنالیزم را چگونه تعریف مینمایید، چه کسی با کدام صفات و خصوصیات میتواند به عنوان یک ژورنالیست خوب، آگاه و مسلکی تبارز نماید؟

پاسخ : پیش ازهر کلامی اجازه دهید با سلام و درود خدمت شما و خواننده گان عزیز، از شما تشکر نمایم که مرا بیاد آوردید . از شما وهموطنان عزیز و قدرشناسم سپاسگزارم که کارهای کوچک ژورنالیستیک مرا هنوز بخاطر دارید .

درمورد سوال شما ، بسیار فشرده مینویسم که : ژورنالیزم با تکامل حیرت آوری که طی سالهای اخیر داشته و با ژرفا و گسترده گی که امروز کسب کرده است ، علم تأمین ارتباط با مردم بخاطر آگاهی دادن، معلومات دادن و تفریح بخشیدن آنان میباشد . ژورنالیزم مددگار و همدم و همراز مردم است . به نظر من امروز ژورنالیزم جزء حتمی زنده گی مردم است . شاید مبالغه نباشد اگر بگویم که ادامه ی حیات امروزی بدون موجودیت ژورنالیزم بسیار دشوار و حتا آزار دهنده خواهد بود .

واما صفات و خصوصیات یک ژورنالیست خوب و موفق به نظر من در پهلوی سایر صفات خوب دیگر ، قبل از همه این است که :

— صادق ، درستکار و صمیمی باشد

— همواره به اندوخته های علمی و معلوماتی اش بیفزاید .

— هیچگاهی ابتکار و نوآوری را از یاد نبرد.

— واگر در بخشهای خبری و اطلاع رسانی کار مینمایید ، سریع و دقیق باشد .

پرسش : به نظر شما وظایف عمده واساسی یک ژورنالیست چه است؟

پاسخ : همانها که قبلاً زیر عنوان صفات خوب ژورنالیست یادآوری نمودم . به این معنا که ژورنالیست خوب باید قبل از همه ؛ صادق و راستکار باشد ، همواره به اندوخته های علمی و معلوماتی اش بیفزاید ، مبتکر و ایجادگر بوده و سریع و دقیق کار نماید . به نظر من همینها از مبرم ترین وظایف یک ژورنالیست است .

پرسش : تعریف شما از آزادی بیان چیست ؟ آیا آزادی بیان و آزادی مطبوعات سرحد میشناسد یا خیر؟ اگر میشناسد این سرحد شامل چه مسایلی خواهد بود ؟

پاسخ : من تا کنون از آزادی بیان تعریفهای گونه گونی شنیده و خوانده ام ؛ اما آنچه همه تعاریف به آن تأکید دارند اینست که : آزادی بیان آزادی ابراز عقیده ، تفکر و اندیشه است ، آزادی بیان آزادی کسب اطلاعات و برخوردای از اطلاعات است . و بالاخره آزادی بیان ، مایه و درونمایه ی دیموکراسی و حقوق بشر است . شما میدانید که بیان و انتشار آزاد اندیشه ها ، عقاید و افکار یکی از اساسی ترین و گرانبها ترین حقوق انسانیت . آدمها این حق را باید به گونه ی طبیعی داشته باشند . این حق یک ودیعه است برای جوامع بشری که هیچ نیرویی حق ندارد آنرا از آدمها دریغ نماید . و اما این حق و این آزادی را ما تا زمانی داریم که به دیگران صدمه نرسانیم . این مسأله شامل آزادی مطبوعات نیز میگردد . آزادی مطبوعات یا بهتر است بگوییم آزادی رسانه های گروهی هم که یکی از پایه های اساسی دیموکراسی و حقوق بشر است ، آزادی بیان و انتشار حقایق به دیگران است . جوامع بشری تنها به یاری آزادی بیان و آزادی مطبوعات و اطلاعات است که میتوانند به قله های بلند ترقی ، تکامل و عدالت اجتماعی دست بیابند .

پرسش : شما خبر دارید که در افغانستان نسبت به سالهای گذشته آزادی بیان، آزادی نشرات، کار و فعالیت ژورنالیستان با تهدید، ممانعت و سانسور روبرو شده است . به عنوان یک ژورنالیست آزاد این مشکلات را چگونه ارزیابی مینمایید؟

پاسخ: من به این باورم که ، با وجود دشواریها و رسوایی های محدودی که در سالهای اخیر در عرصه ی آزادی بیان و آزادی رسانه ها وجود داشته است ، آزادی بیان و آزادی رسانه ها یکی از با ارزش ترین و عمده ترین دستاورد های سالهای اخیر در کشور ما بوده است . مردم و رسانه های گروهی ما هیچگاهی چونین آزادی برای بیان عقاید و نظریات و درد دل هایشان نداشته اند . شما آگاهی دارید که امروز ما صاحب صدها رسانه ی گروهی شامل تلویزیون ها ، رادیوها ، روزنامه ها ، مجلات ، نشرات گونه گون چاپی و برقی هستیم . من نمیخواهم به ماهیت و کیفیت این رسانه ها بپردازم که این رسانه ها چگونه و از کجا تمویل شده و کیفیت برنامه ها و کارنامه هایشان چگونه است . این بحث جداگانه بیست . اما همینکه گروه های متنوع از راه رسانه های متنوع و گوناگون و در نهایت مردمان مختلف ؛ اندیشه ها ، تفکرات و نظریات شانرا بیان و پخش مینمایند ؛ برای من یک دستاورد است — یک دستاورد قابل قدر . و این حق مردم است — حق طبیعی مردم که در گذشته ها از مردم دریغ ورزیده شده است . به نظر من خوب است اگر مردم و ژورنالیستان ما بخاطر استفاده ی بهتر و سودمندتر ازین حق شان (حق آزادی بیان و آزادی رسانه های جمعی) ، شکل های طبقاتی ، حقوقی و صنفی شانرا قوی تر نموده و از آزادی بیان و آزادی رسانه ها بخاطر تأمین حقوق اقتصادی ، اجتماعی و ایجاد و تحکیم عدالت اجتماعی استفاده نمایند .

پرسش: زمانیکه در داخل کشور ما یکعده مقامات و حاکمان دولتی آلوده با فسادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منافع خود را در خطر احساس میکنند، و اکثر ژورنالیستان ومسوولین رسانه های گروهی را تحت فشار، اخطار، هشداروتا سرحد قتل آنها ودرتحت مراقبت های عدلی و قضایی مورد تهدید قرار میدهند. شما به عنوان یک ژورنالیست مجرب و واقع بین به خاطر همچو مشکلات وچالشها در جهت دفاع ازهم مسلکان تان چگونه می اندیشید؟

پاسخ: وقتی من خبر ناگواری را درباب برخورد غیرقانونی ، ظالمانه و غیر عادلانه ی اهل فساد با ژورنالیستی میشنوم یا میخوانم ، میخواهم پتک گرانی شده ، بر فرق عامل یا عاملان آن ناروایی و ظلم فرودآیم . میخواهم فریاد شده به گوش جهانیان بنشینم و همه را به حمایت از هم مسلک یا هم مسلکان عزیزم بپا بخیزانم . به نظر من ، موثرترین راه حمایت از آزادی بیان ،

آزادی رسانه ها و ژورنالیستان آگاه و آزادی دوست ، تنویر بهتر و بیشتر مردم و اتحاد و همدلی بیشتر بخاطر حفظ دستاوردهای بزرگ ماست .

پرسش : به نظر شما اتحادیه های ملی و بین المللی ژورنالیستان درمقابل تهدیدها و حتا به شهادت رساندن ژورنالیستان و خبرنگاران چگونه میتوانند از توانایی های خود حد اعظم استفاده را نمایند تا جلو تکرار همچو حوادث دلخراش گرفته شود؟

پاسخ : من به این باورم که توانایی هر کتله و اتحادیه و گروهی در همفکر بودن و یکپارچه بودن آن است . اگر اتحادیه ی ژورنالیستان ما در برابر هر تهدید زورمندان و مفسدان ، متحد و یکپارچه عمل کرده ، عکس العمل مناسب و فوری نشان دهند ، هیچ زورمند و فاسدی جرأت تهدید دوباره را نخواهد داشت . شما میدانید که از گذشته های دور ژورنالیزم را بحیث چارمین قوه ی جامعه قبول کرده اند ؛ ولی با دریغ و درد که تا هنوز بسیاری ژورنالیستان ما به این حقیقت توجه جدی ننموده و به توانایی های ذاتی و مسلکی خود کم بها میدهند .

پرسش : قسمیکه ما شاهد هستیم شما هم در عرصه ژورنالیزم وهم در زمینه ادبیات دستاورد های درخور توجه داشته اید. در مورد هماهنگی این دو رشته چگونه می اندیشید، و در کدام بخش ها کار های تان را برجسته ترمی بینید ؟

پاسخ : شما میدانید که پهنای ژورنالیزم امروز آنقدر گسترده شده است که شاید بتوان اذعان کرد که گاهگاهی بخشی از کارهای ژورنالیستیک با ادبیات سر و کار زیادی ندارد ؛ اما من برای ژورنالیزم ، ادبیات را بمثابه ی مادر میپندارم . به نظر من یک ژورنالیست خوب ، قبل ازهمه باید بتواند خوب بخواند ، خوب و درست بنویسد ، خوب و درست سخن بگوید و منظم و پیگیر مطالعه نماید . در یک سخن ، تنها به یاری ادبیات است که ژورنالیزم موفقیت و موثریت بیشترکسب کرده ، به تعالی و ترقی بیشتر دست مییابد .

واما درباره ی کارهای ناچیزمن که البته شما با محبت و اغراق برخورد کرده اید ، باید بگویم که من بیشتر به کارهای ژورنالیستیک پرداخته ام که البته همه با ادبیات سر و کار مستقیم داشته است . در ایجاد ، اجرا و نگارش برخی برنامه های رادیویی و تلویزیونی نقش مستقیم داشته ام

که همه برای من برجسته و با ارزش بوده اند . و به همینگونه داستان کوتاه مینویسم ، برخی کارهای تحقیقی انجام داده و مقالات ادبی و سیاسی نوشته ام و مینویسم که شاید نسبت به کارهای مشخص ژورنالیستیک من کمزنگتر بوده اند .

پرسش : در انعکاس دادن چگونگی صدای برحق افراد یک کشور یک ژورنالیست، خبرنگار و مصاحبه کننده باید به کدام نکات مهم و اساسی توجه نماید و روی کدام اصول و مقررات مسلکی باید عمل نماید؟

پاسخ: یک ژورنالیست قبل از همه باید صادق و امین باشد . سرعت ودقت در کارش داشته باشد و ابتکار و نوآوری را همواره از یاد نبرد . هرگاه این نکات ارزشمند را همواره در نظر داشته باشد بدون شک و تردید میتواند قادر به بیان حقایق و بیان صدای برحق ملتش هم باشد .

پرسش : در جمع رسانه های گروهی، رادیو و تلویزیون در روشننگری ذهنیت مردم یک کشور چه رول و نقشی میتواند داشته باشد؟

پاسخ : بدون شک رادیو و تلویزیون — بخصوص تلویزیون با در نظر داشت امکانات وسیع تکنالوژیکی که در اختیار دارد ، میتواند بیشتر و شاید هم موثرتر از دیگر وسایل ارتباط گروهی در کار ارزشمند روشننگری نقش ایفا نماید . امروز رادیو و تلویزیون هر دو به یاری تکنالوژی میتوانند بسیار سریع عمل کنند و با بیان حقایق و ارایه تصاویر روشن از زنده گی ، افراد اجتماع و مخاطبان شانرا در روشنی بیشتر قرار بدهند . ولی از یاد نبریم که هرگاه همین وسیله ی بسیار موثر روشننگری ، معکوس و بصورت منفی بکار گرفته شود ، به آسانی میتواند افکار جامعه را مغشوش نموده ، پرده ی سیاهی بروی حقایق بکشد و ما را از دست یافتن به حقیقت محروم نماید .

پرسش : به نظر شما در تهیه یک خبر تلویزیونی، متن خبر زیاد نقش دارد و یا تصاویر مربوط به وقعات؟

پاسخ: در هر حال هر دو — هم متن خبر و هم تصاویر مربوط ، در تهیه ی یک خبر تلویزیونی از اهمیت خاص برخوردار است . اما در نظر باید داشت که یک خبر در تلویزیون باید به شکلی از

اشکال با تصاویر مربوطش همراه باشد . متن خبر در تلویزیون اندکی فشرده تر است و همین اصل فشرده بودن از ما میخواهد که متن خبر باید بسیار دقیق ، واضح و افاده کننده ی تمام حادثه یا موضوع باشد .

پرسش : فروغی صاحب شما منحنیث کارمند سابقه دار رادیو و تلویزون در تهیه ی تعدادی از برنامه ها از جمله برنامه ساعتی با شما و برنامه موسیقی و نکته ها که در آن زمان واقعا از جمله برنامه های پر بیننده ترین و پر شنونده ترین بود ؛ نقش مهم و مرکزی داشته اید . مهربانی نموده به طور مختصر در مورد چگونگی تهیه مسلکی این برنامه ها و علت مشهور شدن و به دل نشستن این برنامه ها در میان مردم به طور مختصر معلومات ارایه نمایید .

پاسخ: راستش آنهمه پیروزیها در کار تهیه ی برنامه های خوب و محبوب ، درگام اول، ثمره ونتیجه ی کار صمیمانه ی یک تیم یا یک گروه بود — تیم یا گروهی که به شغل و وظیفه ی شان عشق ورزیده و بیننده و شنونده ی شانرا صمیمانه دوست داشتند .دوم اینکه ، ما در همان زمان با وجود امکانات کم ، خواستها و آرزو های مخاطبان خود را شناسایی کرده ، پس از آن به یاری خود بیننده گان و شنونده گان به تهیه ی مطالب و محتویات برنامه ها میپرداختیم .

درین زمینه ، اداره ی ریسرچ رادیو تلویزیون ملی تحت هدایت آقایون روشنگر و بعد محبوب الهی حسن زاده ، همه را از جمله مرا در شناختن خواستها و آرزوهای بیننده گان و شنونده گان ، یاری میرساندند .

در مورد کارهای کوچک خودم باید بنویسم که راهنمای کار من همواره همان صمیمیت ، امانت داری و صداقت در کار بوده است . من خودم را هنگام ارایه هر برنامه ، عضوی از اعضای هرخانواده های میپنداشتم که برنامه ام را میدیدند یا میشنیدند .

پرسش : در آنزمان در پهلوی مسوولیت برنامه های یاد شده، مصروف کدام کارها و فعالیت های مسلکی و هنری دیگر بودید، لطف نموده در زمینه معلومات ارایه نمایید؟

پاسخ : خوشبختانه در مدت زمان کارم در رادیو تلویزیون ملی ، در بخشهای گونه گونه مسوولیت داشته ام . در نوشته و تهیه ی برنامه های هنری و ادبی ، در انسجام و طرحریزی

برنامه های مختلف برای رادیو ، مدیریت و اداره ی تمام برنامه های خبری و اطلاعاتی تلویزیون و اداره و مدیریت ریاست مفسرین رادیو و تلویزیون . ناگفته نگذارم که من مسوولیت دستیارانتخابی اتحادیه ی ژورنالیستان رادیو تلویزیون ملی را هم بعهدہ داشتم . علاوه برآن با شور و عشق زیاد داستان کوتاه مینوشتم .

پرسش : قسمیکه به یاد داریم شما مدتی به خاطر ایجاد شبکه تلویزیونی آریانا در کشور آلمان اقدام نمودید که مورد دلچسپی افغانها قرار گرفت. لطفا در مورد چگونگی ایجاد و خاموشی آن مختصرا بگویید؟

پاسخ : تلویزیون جهانی آریانا که در نوع جهانی بودن خود اولین تلویزیون جهانی افغانها در تاریخ نشرات تلویزیونی ما افغانها بود ، در اساس به ابتکار آقای نعیم جوانبخت سرمایه دار روشن ضمیر ما ، به همکاری من و عده ای از همکاران خوب من ؛ براه انداخته شد . ما اراده ی تأسیس و راه اندازی یک تلویزیون جهانی ملی را داشتیم که هدف اساسی و بزرگ آن روشنگری بود — فقط روشنگری . ما میخواستیم اهمیت والای یکپارچه گی و وحدت ملی را تبلیغ نموده ، در رشد و اعتلای فرهنگ ما در داخل و خارج کشور گامهای موثر و صادقانه برداریم . ما آرزو داشتیم در بالا بردن سطح دانش و شعور اجتماعی — سیاسی اجتماع خود سهم کوچک ولی موثر خویش را ادا نماییم . فشرده اینکه ، تلویزیون براساس اراده یی پاک و بسیار صادقانه ایجاد شد و براه افتاد ؛ اما با درد و دریغ بدلیل عدم حمایت مالی و دخالتهای خرابکارانه ی برخی عناصر مخالف نشرات تلویزیون ، پس از دوسال کار و کوشش مسلکی و صمیمانه ؛ قادر به ادامه ی نشرات خود نبود . اگر نشرات آن تلویزیون ادامه می یافت ، اکنون ما صاحب یک تلویزیون جهانی افغانی در اروپا میبودیم که به وضوح هنوز این کمبود را داریم .

پرسش : شما به عنوان یک ژورنالیست سابقه دار و با تجربه برنامه ها و گزارشهای مختلف رادیوها و تلویزون های افغانی داخل و خارج کشور راجگونه می بینید ؟ آیا این برنامه ها با معیارها، اصول ومقررات مسلکی ژورنالیزم عیار هستند یا خیر؟ واگر نیستند ، پیشنهادهای شما به خاطر بهبود این برنامه ها چه است؟

پاسخ: در اول ، من ازینکه اکنون ما صاحب چندین برنامه تلویزیونی در داخل و خارج کشوریم ، خیلی خوشنودم . بگذارید تا با گذشت زمان با بالا رفتن سطح ذوق و شعور بیننده گان و از اثر رقابت های سالم و موثر ، از میان اینهمه برنامه های گونه گون که بسیار شان غیرضروری و غیرمسلمکی هم هستند ؛ چند تای شان باقی بمانند که بتوانند نیازهای بیننده گان را برطرف نمایند .

و اما درمورد نشرات برنامه های تلویزیونی ما : به باور من برخی برنامه های تلویزیونی از داخل کشور نشرات خوب و امیدوارکننده یی دارند . این برنامه ها اگر تفریحی و سرگرم کننده هستند یا برنامه های اطلاعاتی و سیاسی ، با افتخار میتوانم بگویم که مطابق معیار های مسلمکی زمان ما تهیه و نشر میشوند . هرچند شمار این برنامه ها کم اند ؛ اما ما را امیدواری میبخشد که ژورنالیستان جوان داخل کشور ما توانایی تهیه ی برنامه های خوب و شایسته ی تلویزیونی را داشته و هر روز به این توانایی هایشان می افزایند .

در مورد نشرات تلویزیونی از خارج کشور ، متأسفانه من نمیتوانم موافقت زیاد داشته باشم . نشرات تلویزیونی از خارج کشور بیشتر رادیویی است تا تلویزیونی . بیشترین برنامه ها به یاری تیلفون داخل استودیو و سهم دادن به همه بیننده گان تهیه میشود . که این کار بصورت عام بسیار غیر مسلمکی و نمایانگر ناتوانی و تنبلی تهیه کننده گان برنامه هاست . این تلویزیونها تا هنوز اصلاً خبر تهیه نمینمایند که جز اساسی کار ژورنالیستیک در هر تلویزیون است . در این تلویزیون ها برنامه های اطلاعاتی و سیاسی همچنان یا اصلاً تهیه نمیشود و یا با شرکت اشخاص تصادفی و غیر مسلمکی تهیه میشود . به همینسان برنامه های هنری — فرهنگی شان .

به نظر من اکنون زمان آن فرا رسیده است تا این تلویزیونها هم در رقابت با تلویزیونهای داخل کشور ، کار شانرا جدی گرفته ، نورمها و قیودات مسلمکی را برای تهیه تمام برنامه ها و برنامه سازان شان وضع نمایند .

پرسش : رادیو ها و تلویزون های داخل و بیرون مرزی از شما منحهیت ژورنالیست آگاه و کارمند مجرب و شایسته سابقه دار رادیو و تلویزون دعوت نموده اند یا خیر؟ و اگر نه دلیلش را چگونه ارزیابی می نمایید؟

پاسخ : خوشبختانه طی سالهای اخیر تاکنون دوبار از من بعنوان یک خدمتگار سابقه دار مردم در عرصه ژورنالیزم ، از داخل کشور دعوت بعمل آمده است تا تجارب اندکم را در اختیار ژورنالیستان جوان بگذارم ؛ که البته من هم با کمال میل و با کمال افتخار این کار را انجام داده و در داخل کشور خدمت نموده ام . من فرزند و خادم وطنم هستم و تا زمانیکه توان خدمت مسلکی داشته باشم ، با افتخار انجام میدهم .

پرسش : در وضعیت بحرانی موجود کشور، فرهنگ و ادبیات و تمام داشته های مادی و معنوی کشور توسط مشتی غارتگر به بهانه حمایت از معنویات مقدس مردم ما و به بهانه دموکراسی و سایر پدیده های خوش لباس بر باد داده میشوند . شما منحهیت یک ژورنالیست آگاه و رسالتمند چی فکر میکنید راه نجاتی به نظر میرسد ؟

پاسخ : من به این باورم که همان مشتی غارتگر هرگز توانایی اینرا نخواهند یافت تا فرهنگ و معنویات مقدس ما را از ما بدزدند . شما میدانید که فرهنگ پدیده ی پویا و رشدیابنده بیست و تمام فرهنگها بخصوص فرهنگ گشن بیخ و دیرپای ما آنقدر استعداد و توانایی دارد تا با وجود نا ملایمات روزگار و کوششهای خصمانه در برابر آن ، پویایی اش را حفظ کرده و رشد و اعتلای طبیعی اش را بپیماید .

طبعاً رشد و اعتلای فرهنگ همچنان به پالایش و پرورش توسط پاسداران و حامیانش نیازمند است . فرهنگیان ما ، تمام نهادهای جامعه ی مدنی و درنهایت همه ی ما قبل از همه باید حامیان و پاسداران فرهنگ خویش باشیم — پاسداران این امانت بزرگ پدران و نیاکان ارجمند ما . اگر ما همه پاسداری از فرهنگ را اولین و عمده ترین وظیفه ی ملی و وطنی خویش بدانیم ، همان مشتی غارتگر شاید بتواند کیسه هایشان را بیشتر پر از زر نمایند ؛ اما هرگز توان نابودی فرهنگ گشن بیخ ما را نخواهند یافت .

پرسش : نظر شما در مورد متشکل ساختن ژورنالیستان و به خصوص کارمندان ارشد رادیو و تلویزیون و ایجاد دوباره یک شبکه رادیویی و تلویزیونی قوی و مسلکی که بتواند نقش و رول موثر در برنامه ها و پروگرام های آموزنده، علمی، ملی، ادبی و فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد چه است؟

پاسخ : میگویند " نابینا از خداوند چه میخواهد ، دو چشم بینا " من یکی از علاقمندان سرسخت تشکل ژورنالیستان کشورم در خارج از کشور بخصوص اروپا هستم . من به این باورم که هموطنان ما این شایسته گی را دارند تا همانند سایر ملل مقیم اروپا ، صاحب نشرات تلویزیونی و رادیویی مستقل باشند . من این را یک نیاز میدانم . ایکاش دولتمداران ما ، شرکتهای خصوصی و یا اشخاص صاحب سرمایه ی ما به این مسأله بیشتر توجه نمایند .
ما بخاطر پاسداری ، رشد و اشاعه ی فرهنگ خویش به نشرات مستقل رادیویی و تلویزیونی ضرورت داریم .

پرسش : پیام شما به بنیاد ژورنالیستان و اتحادیه های سراسری هنرمندان در داخل و خارج کشور چه است؟

پاسخ : به همه هم مسلکان عزیزم احترام و سپاس تقدیم نموده ، سرفرازیها و پیروزیهای بیشتر شانرا در راه حفظ و گسترش فرهنگ گهربار ما آرزو مینمایم . آنچه ما در هر برهه ی تاریخ بخصوص حالا به آن نیاز داریم ، همبسته گی ملی ماست . و این ژورنالیستان و فرهنگیان عزیز ما هستند که با کارهای خلاقه ی شان ، اهمیت حیاتی همبسته گی میان مردمان سرزمین واحد ما را بیشتر برجسته نموده و آنرا دست یافتنی تر میگردانند .

تقاضای صمیمانه ی من از همه ژورنالیستان ، هنرمندان و فرهنگیان گرانقدر ما اینست که وطن و مردم خود را مثل همیشه یاری برسانند و در شرایط کنونی بدون در نظر داشت تعلقات قومی ، زبانی ، گروهی و عقیدتی در راه حفظ همبسته گی و وحدت ملی بکوشند .

— محترم فروغی صاحب کارها و فعالیت های شما در عرصه علم، ادب، هنر و مسلک ژورنالیزم قابل قدر و ستایش است. از شما جهان سپاس که حاضر شدید به پرسش های من

پاسخ های علمی، هنری، مسلکی، ادبی و منطقی ارایه نمودید. به شما دوست عزیز و گرامی و خانواده محترم تان صحت و سلامتی، موفقیت ، سرفرازی ، طول عمر، سعادت و خوشبختی آرزو می کنم.

— من هم از جناب شما انجنیرمسعود گرانقدر که خود خدمات شایسته و با اهمیتی در راه رشد و اعتلای فرهنگ ما انجام داده اید ، ابراز سپاس مینمایم . خوشبختی و سرفرازی شما هم آرزوی من است .

باعرض ادب و احترام . انجنیرعبدالقادرمسعود.